

()

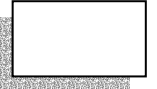
:

:

:

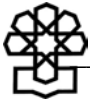


()



«بخش مهمی از وظایف دولت‌ها در نظام‌های مختلف اقتصادی از طریق بودجه به مرحله اجرا گذاشته می‌شود. معمولاً فعالیت‌های بودجه‌ای بخش عمومی را به سه دسته کلی تقسیم می‌کنند:

۱. تدارک کالاهای اجتماعی توسط دولت که وظیفه تخصیصی نامیده می‌شود.
 ۲. تعدیل توزیع درآمد و ثروت یا وظیفه توزیعی.
 ۳. استفاده از سیاست بودجه‌ای به‌عنوان ابزاری برای حفظ اشتغال، ثبات سطح قیمت‌ها و نرخ مناسب رشد اقتصادی با توجه به آثار آن بر تجارت و تراز پرداخت‌ها، که به آن وظیفه برقراری ثبات اقتصادی گفته می‌شود.
- در ایران نیز مانند کشورهای دیگر دولت هر سه فعالیت را دنبال می‌کند. هر چند در قلمرو نظریه می‌توان سیاست‌های بودجه‌ای را به نحوی تدوین کرد که اهداف تخصیصی، توزیعی و تثبیتی بدون تعارض تحقق یابند، اما در عمل تعارض فراوان پیش می‌آید و همین امر بررسی بودجه را دشوار می‌سازد. در کشور ما سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی وظیفه دارد درخواست‌های بودجه‌ای وزارتخانه‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت را در چارچوب اهداف و سیاست‌های برنامه‌های پنجساله کشور سازگار کند.



برای رعایت سازگاری بودجه با برنامه، نه تنها باید جهت‌گیری‌های عمومی آن با برنامه هماهنگ باشد، بلکه لازم است بودجه دولت به صورت یک سند برنامه‌ای تدوین شود. بودجه برنامه‌ای تا جایی که به تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دولت مربوط می‌شود، تا حدودی مورد توجه سازمان که مدیریت و برنامه‌ریزی است. اما حتی در این زمینه نیز در گزارش‌های این سازمان به کمیسیون‌های مجلس، ارائه می‌کند، هیچ‌گونه تحلیلی از نحوه اجرای طرح‌های عمرانی، مشکلات و مسائل اجرایی و توجیحات فنی-اقتصادی طرح‌های جدید دیده نمی‌شود.

تا جایی که به برآورد هزینه‌های جاری دستگاه‌ها مربوط می‌شود، بودجه‌ها براساس عملکرد گذشته و در نظر گرفتن پرسنل، تجهیزات و ساختمان‌های موجود برآورد می‌شوند. از این‌رو میان اهداف، وظایف، فعالیت‌ها و هزینه‌های جاری دستگاه‌های اجرایی نمی‌توان هیچ نوع ارتباطی برقرار کرد. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی نیز هیچ گزارش توجیهی در مورد هزینه‌های جاری بودجه به کمیسیون‌های تخصصی مجلس ارائه نمی‌کند. در این وضعیت لزوماً میان نهاده‌ها (شامل نیروی انسانی، دارایی‌های سرمایه‌ای و منابع مالی در اختیار دستگاه) و ستانده‌ها (شامل برنامه‌ریزی، نظارت، سیاست‌گذاری و غیره) تناسب یا رابطه‌ای برقرار نمی‌شود. برقراری رابطه روشن میان عملکرد بخش و لایحه بودجه نیز به دلایل چندی امکان‌پذیر نیست. تا جایی که به تشکیل سرمایه در بخش مربوط می‌شود، باید گفت برخلاف گذشته سهم اعتبارات عمرانی در تشکیل سرمایه ثابت بخش، ناچیز است. شرکت‌های دولتی غالباً از طریق منابع داخلی، استقراض از بانک‌های داخلی و فاینانس و بیع‌متقابل به تأمین پروژه‌های سرمایه‌گذاری اقدام می‌کنند. بنابراین انعکاس عملیات مالی در بودجه‌های سالانه جنبه اطلاع‌رسانی دارد نه سیاست‌گذاری. برنامه‌ریزی متمرکز سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در صنعت نیز



بیشتر متأثر از محیط کسب و کار و سیاست‌های تجاری دولت است»^۱.

گزارش حاضر در دو بخش ارائه می‌شود:

۱. تبصره‌های مربوط به بخش صنعت و معدن در لایحه بودجه سال ۱۳۸۴،
۲. وضعیت بودجه شرکت‌های دولتی.

:

« » -

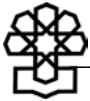
• « »

در این جزء مشخص نشده است که بانک صنعت و معدن پس از دریافت منابع ناشی از فروش اوراق مشارکت، به چه شکل این منبع را در اختیار بخش خصوصی قرار می‌دهد. هرچند واگذاری آن به صورت وام طبیعی‌ترین شیوه ممکن به نظر می‌رسد اما بهتر است که نحوه اعطای این منبع به بخش خصوصی مشخص شود.

• « »

براساس مباحث کلاسیک اقتصادی، معمولاً بخش‌های دولتی و خصوصی به‌عنوان بخش‌های رقیب محسوب می‌شوند، لذا توانمندسازی و توسعه مشارکت بخش خصوصی از طریق بخش دولتی به خصوص شرکت‌های دولتی و آن هم از محل منابع

۱. «بخش صنعت و معدن در لایحه بودجه سال ۱۳۸۱ و همسنگی آن با برنامه سوم توسعه»، دفتر امور زیربنایی، دی ماه سال ۱۳۸۰.



خود چندان عملی به نظر نمی‌رسد. بنابراین پیشنهاد می‌شود نحوه و سازوکار تخصیص این وجوه در تبصره مشخص شود.

« » -

• « »

با توجه به این‌که بخش مسکن و آب نیز جزء طرح‌های زیربنایی محسوب می‌شوند پیشنهاد می‌شود: طرح‌های « به مجموعه طرح‌های موردنظر در این بند اضافه شوند.

• « »

بر مبنای ماده ۲۴ قانون برنامه چهارم توسعه پیشنهاد می‌شود عبارت زیر به انتهای این جزء افزوده شود:

«ضمانتنامه صادره علی‌رغم ماهیت تجاری آن نباید ریسک تجاری و خسارت ناشی از قصور سرمایه‌گذار در ایفای تعهدات قراردادی وی را پوشش دهد».

• « »

با توجه به بند «د» ماده ۱ قانون برنامه چهارم توسعه که اجازه برداشت ۵۰ درصد موجودی حساب نذیره ارزی را برای سرمایه‌گذاری و تأمین بخشی از اعتبار مورد نیاز بخش غیردولتی داده است، منطقی به نظر می‌رسد که در این بند نیز قید رعایت ۵۰ درصد موجودی حساب را لحاظ کرد. بنابراین پیشنهاد می‌شود متن زیر به انتهای پاراگراف اول این بند و پس از جمله «از طریق حساب نذیره ارزی» اضافه شود:

«مشروط بر آن‌که از پنجاه درصد (۵۰٪) موجودی تجاوز ننماید».



« » -

• « »

با توجه به عملکرد کلی این صندوق و این که تأثیر چندانی در توسعه صنایع الکترونیک و فناوری‌های نو (Hi-Tech) نداشته است، به نظر می‌رسد درباره نحوه افزایش سرمایه و نحوه تخصیص اعتبارات این صندوق باید به نحو مؤثرتری عمل شود.

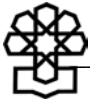
• « »

این بند از ماهیت بودجه‌ای برخوردار نیست و می‌توان آن را حذف کرد.

« » -

• « »

به نظر می‌رسد مقصود دولت در این جزء، صرفاً خرید یا اجاره کالا و خدماتی است که بر مبنای بند «ج» ماده ۳۹ قانون برنامه چهارم توسعه جزء کالاها و خدمات عمومی و انحصاری و کالاهای اساسی هستند. در این صورت پیشنهاد می‌شود کلمه «صرفاً» به ابتدای این جزء افزوده شود. اما اگر مقصود خرید هر نوع محصول (کالا و خدمات) ناشی از سرمایه‌گذاری سازمان‌های مناطق آزاد تجاری - صنعتی با مشارکت بخش خصوصی داخلی و خارجی باشد، به نظر می‌رسد این امر موجب دور افتادن این سازمان‌ها از وظایف حاکمیتی و ورود آن‌ها به امور تصدی‌گری شود. بنابراین ورود این سازمان‌ها به فعالیت‌های تجاری توصیه نشده و پیشنهاد می‌شود شرکت‌هایی که با این سازمان در امر سرمایه‌گذاری مشارکت می‌کنند وظیفه فروش و صادرات محصول را به عهده گیرند.



• « »

با توجه به این که این بند محدودیتی برای میزان گندمی که به منظور استفاده از ظرفیت خالی کارخانه‌های آرد وارد کشور خواهد شد در نظر نگرفته است، بیم آن می‌رود که کنترل گندم وارداتی امکان‌پذیر نبوده و حجم زیادی گندم وارد کشور شده و موجب اشباع بازار شود. از سوی دیگر با توجه به ظرفیت ذخیره‌سازی محدود سیلوهای گندم و این که دولت از توان لازم برای ذخیره‌سازی حجم موجود گندم تولیدی ناشی از طرح خودکفایی گندم نیز برخوردار نیست، این امکان وجود دارد که اهداف این طرح استراتژیک اقتصادی - سیاسی زیر سؤال برود. بنابراین حذف این بند پیشنهاد می‌شود.

« » -

• « »

با توجه به این که معمولاً مالکیت شرکت‌های دولتی به‌طور کامل به سازمان‌ها و نهادهای عمومی واگذار شده است؛ برای این که اهداف واقعی خصوصی‌سازی محقق شود و منجر به انتقال مالکیت از بخش دولتی به بخش عمومی نشود، پیشنهاد می‌شود در اجرای این بند دولت، سهام شرکت‌های مورد نظر را در بورس عرضه کرده و درآمد حاصل را در اختیار این سازمان‌ها و نهادها قرار دهد.



» « -

• « »

پیشنهاد می‌شود به جمله انتهایی پاراگراف اول پس از حمل و نقل عمومی درون‌شهری کلمه «حومه» نیز افزوده شود.

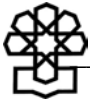


۱. با توجه به این‌که هر سال برخی طرح‌های مهم تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در ردیف‌های بودجه‌ای قرار می‌گیرد و مدت زمان طولانی از شروع این طرح‌ها سپری شده است؛ تبصره زیر برای تفکیک برخی از این طرح‌ها از سایر طرح‌ها و تصمیم در مورد آن‌ها پیشنهاد می‌شود.

«سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت اقتصاد و دارایی موظفند در مورد طرح‌های مهم تملک دارایی سرمایه‌ای (فهرست ستاره‌دار) به صورت صد درصد (۱۰۰٪) تخصیص یافته عمل کرده و برای اجرای این‌گونه طرح‌ها اعتبار اسنادی (LC) گشایش نمایند. در این‌گونه طرح‌ها تعدیل و افزایش هزینه به هر نحو ممنوع است.»

۲. به منظور استفاده بهینه از حساب ذخیره ارزی و به منظور رعایت قانون حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی داخلی تبصره زیر پیشنهاد می‌شود.

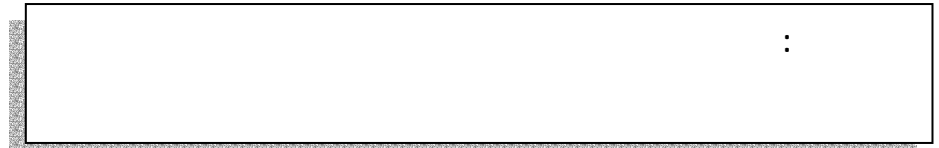
«بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است قبل از هرگونه گشایش اعتبار برای طرح‌هایی که از محل حساب ذخیره ارزی گشایش اعتبار می‌شوند، نسبت به کسب مجوز از کمیته ماده (۳) قانون حداکثر از توان فنی - مهندسی داخلی اقدام کند.»



۳. به منظور ارتقای کیفیت و استانداردسازی مصالح ساختمانی که نقش مهمی در مقاوم‌سازی و افزایش عمر مفید مسکن دارند تبصره زیر پیشنهاد می‌شود:

«به منظور ارتقای کیفیت و استانداردسازی مصالح ساختمانی به‌ویژه بتن آماده، آجر ماشینی، کاشی و سرامیک و نوسازی و بهسازی خطوط کارخانجات تولیدکننده آن‌ها و نیز سبک‌سازی مصالح و تولید صنعتی ساختمان، وزارت صنایع و معادن موظف است از محل اعتبارات ردیف ۴۰۳۰۷۰۱۰ مندرج در قسمت سوم لایحه بودجه سال ۱۳۸۴ کل کشور مبلغ ۶۰ میلیارد ریال اختصاص دهد.»

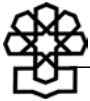
(این مبلغ از محل اعتبار ردیف ۴۰۳۰۷۰۰۳ کسر شده و به اعتبار ردیف ۴۰۳۰۷۰۱۰ اضافه می‌شود).



با توجه به این که حجم بزرگی از اقتصاد ایران دولتی است و شرکت‌های دولتی بخش قابل ملاحظه‌ای از اقتصاد ایران را تشکیل می‌دهند، بررسی بودجه شرکت‌های دولتی در کل بودجه، از اهمیت خاصی برخوردار است. حجم عظیم شرکت‌های دولتی به لحاظ دارایی‌های تحت پوشش، میزان فروش، تعداد کارکنان و میزان استفاده از بودجه دولتی، توجه به این شرکت‌ها را در اولویت قرار می‌دهد. از طرف دیگر دولت در صدد فروش شرکت‌های خود بوده که میزان موفقیت در این امر را نیز می‌توان با نگاهی اجمالی به لایحه بودجه ۱۳۸۴ درک کرد. اما سؤال اصلی اینجاست که بودجه هر یک از شرکت‌های دولتی در سال ۱۳۸۴ براساس کدام شاخص تخصیص یافته است؟ پیش‌بینی درآمدها و هزینه‌ها تا چه حد می‌تواند بیانگر واقعیت شرکت‌ها باشد؟ آیا تخصیص بودجه براساس عملکرد مالی هر یک از شرکت‌ها صورت گرفته است؟ تکلیف شرکت‌های در حال واگذاری - در جهت تحقق امر خصوصی‌سازی - در سال ۱۳۸۴ چگونه تعیین شده است؟

با تحلیل هر یک از شاخص‌های در نظر گرفته شده در این گزارش، تصویری کلی از وضعیت شرکت‌های دولتی در بخش صنعت و معدن ارائه خواهد شد.

در لایحه بودجه سال ۱۳۸۴، بخش صنعت و معدن دارای ۱۵۷ شرکت سودده و ۷ شرکت زیانده است. تعداد شرکت‌های سودده رشد ۳۰/۸۳ درصدی و شرکت‌های زیانده رشد ۸۵/۴۱- درصدی را نشان می‌دهند.



از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۴ از تعداد شرکت‌های دولتی ۴ شرکت کم شده است ولی ۴۱ شرکت از بخش زیانده، به بخش سودده انتقال یافته‌اند،^۱ که این امر به نوبه خود میزان درآمد اصلی کل بخش صنعت و معدن را افزایش داده است. قرار دادن شرکت‌های زیانده در ردیف شرکت‌های سودده در لایحه بودجه سال ۱۳۸۴ به احتمال زیاد از افزایش بهره‌وری این شرکت‌ها نبوده بلکه از محل فروش دارایی‌ها و املاک در اختیار شرکت‌های مزبور بوده است.

()

با توجه به جدول ۱ و نمودارهای ارائه شده، مشخص می‌شود که درآمد اصلی^۲ طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ افزایش چشمگیری را از خود نشان داده است، به خصوص پیش‌بینی لایحه بودجه سال ۱۳۸۴، افزایش ۸/۸۹ درصدی نسبت به سال ۱۳۸۳ را نشان می‌دهد. این امر می‌تواند تحت سناریوهای مختلفی مورد بررسی قرار گیرد: اولاً این افزایش درآمد می‌تواند ناشی از افزایش شرکت‌های سودده از ۱۱۴ به ۱۵۷ شرکت یا واقعی کردن نرخ، توسط هر یک از شرکت‌ها باشد. ولی آنچه که مشهود است، شرکت‌های صنعتی به هر دلیلی از بخش زیانده در سال ۱۳۸۳ به بخش سودده منتقل شده‌اند.

ثانیاً: افزایش درآمد می‌تواند ناشی از افزایش بهره‌وری هر یک از شرکت‌ها باشد و این افزایش بهره‌وری در یک سال، به نظر نمی‌رسد آن‌چنان شدید و مؤثر باشد (چرا که افزایش بهره‌وری با افزایش سرمایه‌گذاری و بهبود فناوری، ارتباط مستقیم

۱. تعداد زیادی از شرکت‌های شهرک‌های صنعتی استان‌ها به حالت صوری و تنها براساس درج درآمد و هزینه در ستون‌های مربوطه با داشتن تراز صفر، سودده نشان داده شده‌اند.

۲. درآمد اصلی: شامل درآمد حاصل از فعالیت اصلی شرکت است.



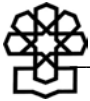
دارد که نتایج هر دو در بلند مدت مشخص و مشهود است) بنابراین نمی‌توان با قاطعیت در مورد این افزایش درآمد قضاوت کرد مگر آن‌که به ریز درآمد و هزینه هر یک از شرکت‌ها دسترسی داشته و به صورت مجزا آن‌ها را بررسی کنیم.

در مورد هزینه‌های تولیدی^۱ که افزایش چشمگیری را از خود نشان می‌دهند می‌توان همان استدلال درآمد اصلی به خصوص افزایش شرکت‌های سودده از سال ۱۳۸۲ به ۱۳۸۴ را به کار برد، ولی مسأله مهم‌تر آن‌که هزینه‌های تولیدی به تنهایی نشان دهنده بهبود وضعیت یا بدتر شدن وضعیت نمی‌تواند باشد. زیرا برای بررسی دقیق‌تر، باید هزینه‌های تولیدی هر شرکت را مورد بررسی قرار داد و سپس در مورد افزایش هزینه‌ها قضاوت کرد که به دلیل در دسترس نبودن هزینه هر واحد این امر امکان‌پذیر نشد.

هزینه مالی^۲، افزایش ۵۱۲ درصدی را نشان می‌دهد که این خود جای بحث و بررسی بیش‌تر را دارد. یکی از دلایل افزایش هزینه مالی می‌تواند ناشی از افزایش استفاده از وام‌های داخلی به جای وام‌های خارجی باشد. چرا که استفاده از سرمایه و وام خارجی به دلیل داشتن بهره کم، مقرون به صرفه بوده و هزینه کم‌تری بر آن مترتب است. ولی این‌که شرکت‌ها نتوانسته یا نمی‌خواهند از وام‌های خارجی استفاده کنند سؤالی است که باید پاسخ آن را در ریز هزینه‌ها و سیاست‌های هر کدام از شرکت‌ها جستجو کرد. البته توجه اصلی باید به میزان افزایش نسبت وام‌های داخلی به خارجی معطوف شود چرا که در لایحه بودجه سال ۱۳۸۴ هر دو بخش افزایش داشته است. استفاده از وام‌های خارجی در لایحه بودجه سال ۱۳۸۴ معادل ۹۶ درصد نسبت به سال ۱۳۸۳ افزایش نشان می‌دهد؛ ولی این رقم در سال ۱۳۸۳ نسبت به سال ۱۳۸۲، ۲۲ درصد کاهش یافته است. این نوسان در استفاده از وام‌های خارجی احتمالاً

۱. هزینه‌های تولیدی: شامل هزینه‌های مربوط به فعالیت اصلی هر شرکت است که رابطه مستقیم با تولید دارد.

۲. هزینه‌های مالی: شامل بهره پرداختی وام‌های اخذ شده توسط شرکت‌های دولتی است.



مربوط به افزایش تمایل حمایتی شرکت‌های بیمه‌ای خارجی از شرکت‌های داخلی وام گیرنده است؛ که این خود می‌تواند از کاهش ریسک سرمایه‌گذاری ایران در سطح بین‌الملل نشأت گرفته باشد. باید توجه کرد که همراه افزایش استفاده از وام‌های خارجی، هزینه‌های مالی نیز افزایش یافته است که این موضوع، در ادامه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

افزایش میزان بازپرداخت وام‌های خارجی نشان از بالا رفتن قدرت مالی شرکت‌هاست که اگر به صورت کلان به موضوع نگاه کنیم، افزایش در توان بازدهی وام‌های خارجی به عنوان یک نقطه مثبت در عملکرد شرکت‌های صنعتی و معدنی قابل توجه است و این امر می‌تواند خود را در کاهش هزینه‌های سرمایه‌ای نشان دهد. هزینه استهلاک یا ذخیره استهلاک روند صعودی به خود گرفته است که می‌تواند نشان از افزایش تعداد شرکت‌ها و تجدید ارزیابی دارایی آن‌ها باشد. نسبت درآمد اصلی به کل منابع را می‌توان در سناریوهای مختلفی مورد بررسی قرار داد یا این‌که حداقل ترکیبی از سناریوهای مختلف را می‌توان به کار برد. افزایش این نسبت می‌تواند ناشی از افزایش فعالیت اصلی هر یک از شرکت‌ها، افزایش قیمت محصولات حداقل به میزان ۱۰ درصد که طبق مجوز قانونی انجام می‌شود، افزایش بهره‌وری و استفاده بهینه و کامل از ظرفیت تولیدی یا گسترش و توسعه فعالیت اصلی باشد. به هر دلیل افزایش این نسبت می‌تواند به عنوان یک نکته مثبت در لایحه بودجه سال ۱۳۸۴ مورد توجه قرار گیرد.

در مورد نسبت هزینه‌های سرمایه‌ای^۱ به کل مصارف باید خاطر نشان کرد که هزینه‌های سرمایه‌ای از دو بخش منابع داخلی و طرح تملک دارایی (منابع عمومی)

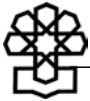
۱. هزینه‌های سرمایه‌ای در بخش مصارف شامل طرح تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، زمین ساختمان و تأسیسات، ماشین‌آلات و لوازم کار، وسایط نقلیه، اثاثیه و لوازم اداری، سرمایه‌گذاری در سایر مؤسسات و سایر دارایی‌های ثابت است.



تأمین می‌شود که توجه به منبع تأمین آن بسیار حائز اهمیت است. هر گاه از منبع عمومی باشد (کمک‌های دولتی) این به عنوان ضعف شرکت در پوشش هزینه‌های خود می‌تواند مطرح باشد ولی هر گاه از منابع داخلی این هزینه‌ها تأمین شود می‌توان نتیجه عکس گرفت. در مورد شرکت‌های سود ده میزان بیش‌تری از هزینه‌های سرمایه‌ای از منابع داخلی تأمین شده است. در مورد نسبت تسهیلات بانکی خارجی به هزینه‌های سرمایه‌ای که افت و خیزی از سال ۱۳۸۲ تا لایحه بودجه سال ۱۳۸۴ را از خود نشان می‌دهد، باید گفت که این نسبت صرفاً به میزان اعتبار دهی طرف وام دهنده مربوط است و توسط صنایع داخلی ما تعیین نمی‌شود، ولی میزان اعتبار دهی به روابط سیاسی، میزان ریسک سرمایه‌گذاری در صنایع ایران و مقاومت صنایع در مقابل سیکل‌های تجاری و ... بستگی دارد.

در مورد نسبت هزینه‌های تولیدی به درآمد اصلی که در لایحه بودجه سال ۱۳۸۴ نسبت به ۱۳۸۳ افزایش ۱۰ درصدی از خود نشان می‌دهد باید گفت که این افزایش، یک نوع عدم بهبود در کل را نشان می‌دهد. افزایش نسبت هزینه به درآمد نشان دهنده میزان سوددهی در سال‌های مختلف است که هر چه میزان این نسبت افزایش یابد، سودآوری کل کاهش می‌یابد. این افزایش ممکن است از انتقال شرکت‌های زیانده به بخش سودده باشد.

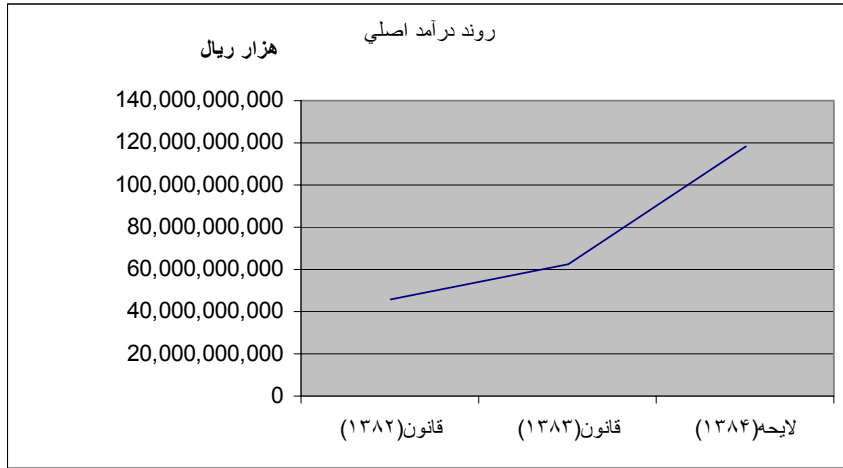
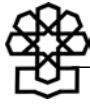
افزایش سایر دریافت‌ها به احتمال زیاد (به دلیل این‌که به ریز هزینه‌ها دسترسی نداریم) می‌تواند شامل مبالغ دریافتی از بابت پیش فروش محصولات صنعتی باشد، که این در مورد شرکت‌های خودروسازی و پتروشیمی می‌تواند با درجه اطمینان بالایی صادق باشد. آنچه که از بازپرداخت دیون در سال ۱۳۸۴ می‌توان فهمید این است که در حالت کلی، توان بازپرداخت دیون شرکت‌های صنعتی و معدنی کم بوده و از رشد قابل ملاحظه‌ای در مقایسه با سایر بخش‌ها برخوردار نیست.



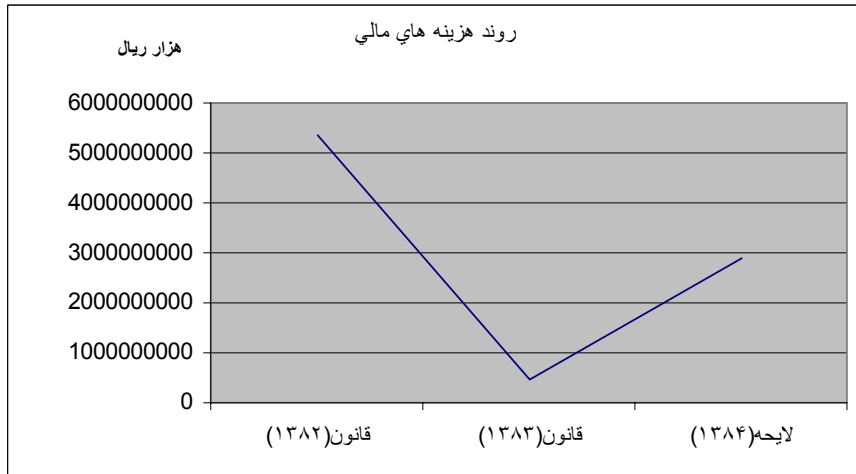
اما نکته جالب توجه در تحلیل امور صنایع و معادن، افزایش ۱۴ شرکت جدید است که این مغایر با اهداف برنامه سوم و تبصره (۱) ماده ۷ قانون برنامه چهارم توسعه است که بر مبنای آن ایجاد هر شرکت جدیدی صرفاً با تصویب مجلس شورای اسلامی مجاز است.

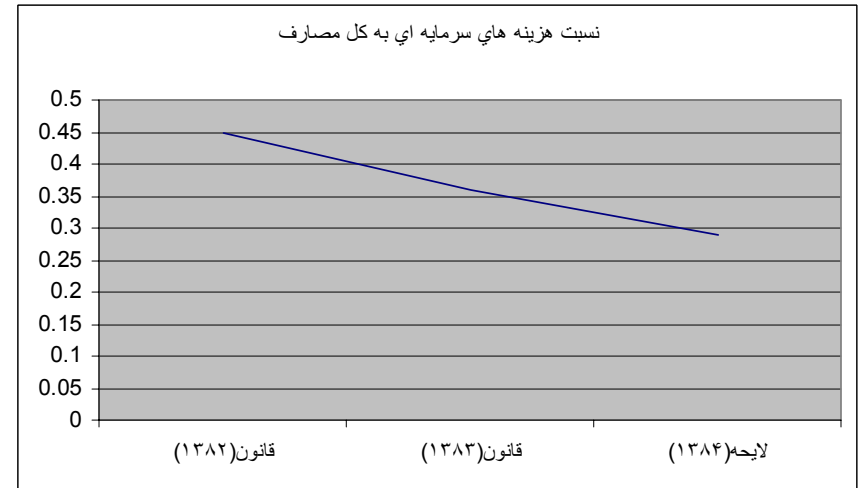
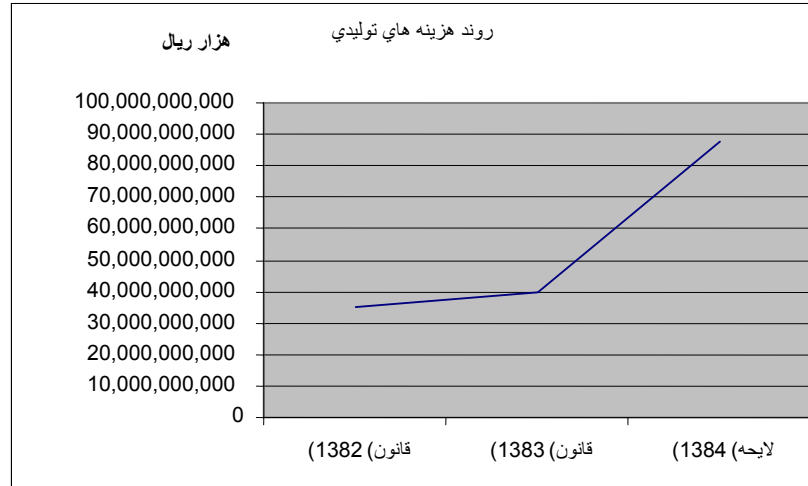
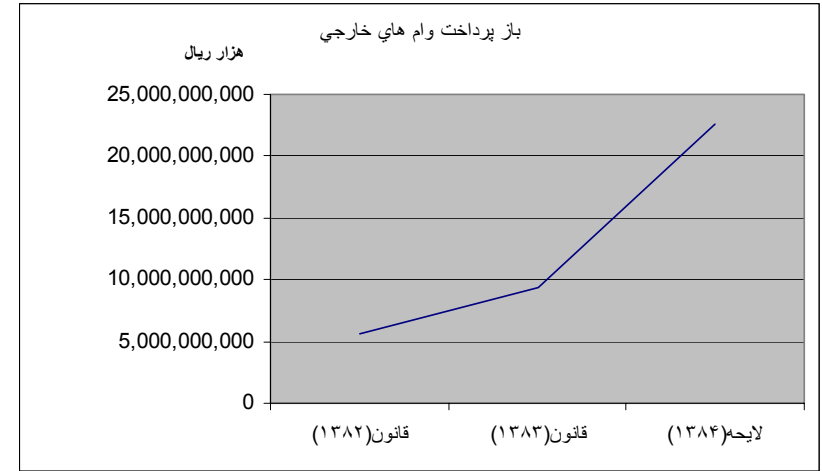
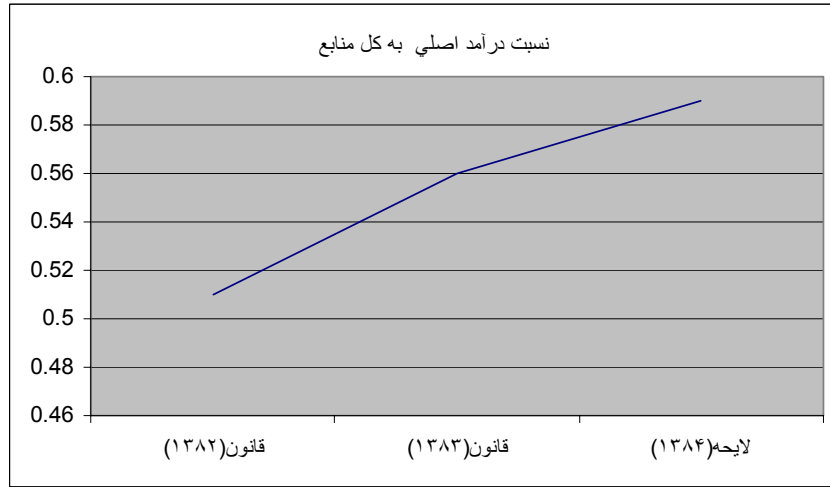
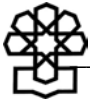
در مورد افزایش شرکت‌های سودده و انتقال شرکت‌های زیانده به سودده در یک سال می‌توان گفت که این امر عمدتاً به دلیل پشت سر گذاشتن بند «ط» تبصره «۶» ماده (۷) قانون برنامه چهارم توسعه است که دولت را مکلف کرده، حداکثر تا سال سوم برنامه، نسبت به اصلاح ساختار و سودآوری شرکت‌های دولتی که به استناد صورت‌های مالی سال اول برنامه زیانده هستند اقدام و در غیر این صورت آن‌ها را منحل کند. بر این اساس به نظر می‌رسد سودآوری شرکت‌های زیانده در سال گذشته اقدامی صورتی است و اگر به صورت واقعی، درآمد این شرکت‌ها دیده شود بنا به ماده گفته شده باید منحل شوند.

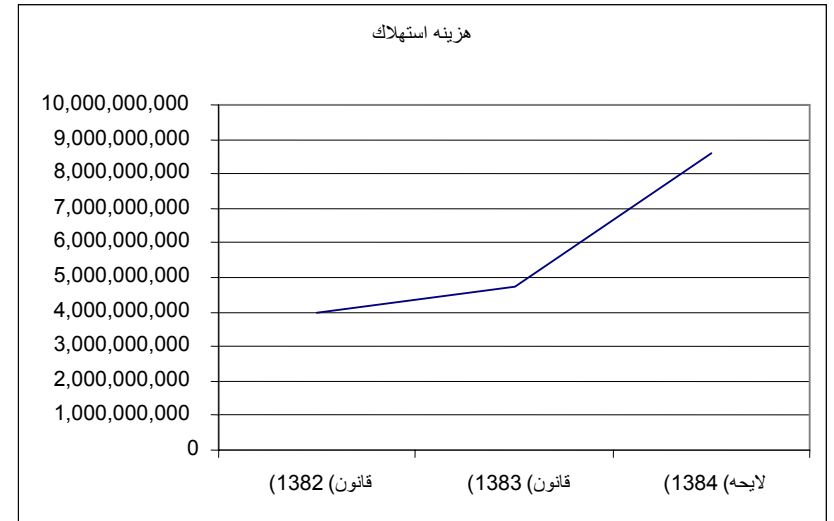
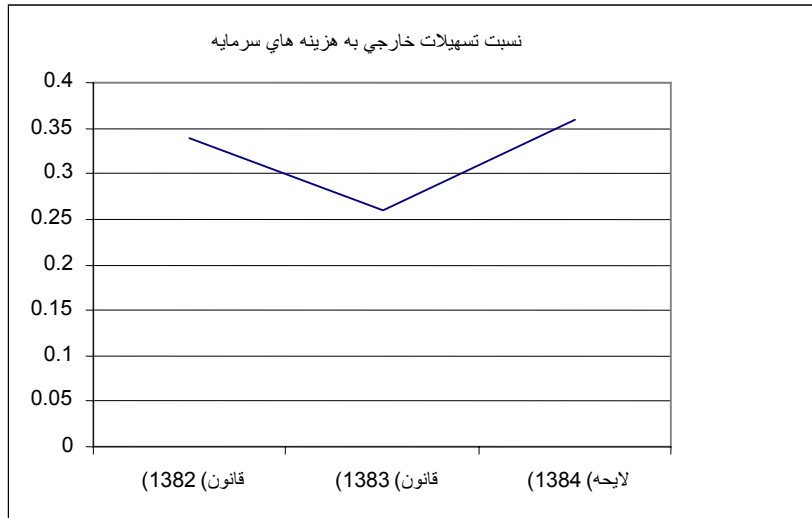
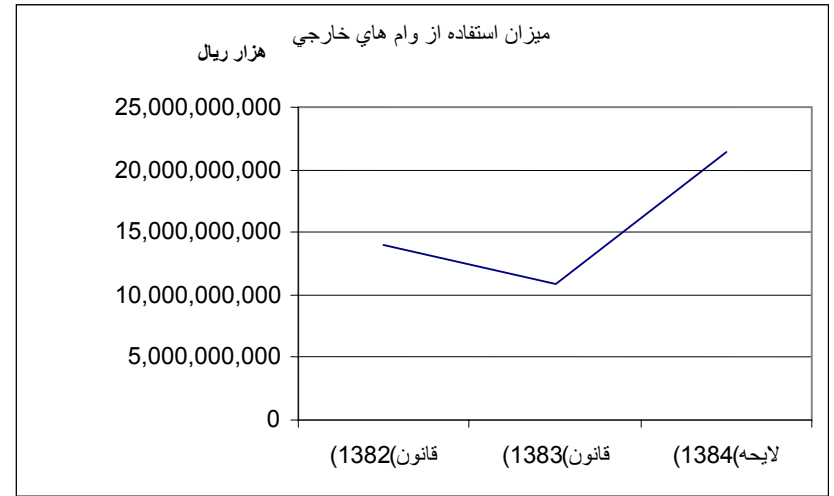
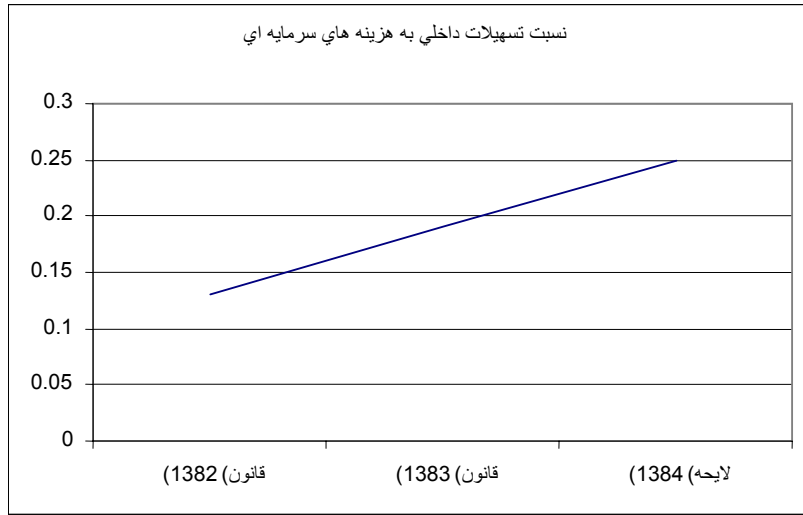
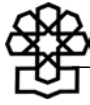
نکته دیگر این‌که طبق لایحه بودجه سال ۱۳۸۳ که ۳۷ شرکت را در حال واگذاری اعلام کرده بود، می‌بایست تا سال ۱۳۸۴ این شرکت‌ها به بخش خصوصی واگذار می‌شدند ولی تنها ۱۲ شرکت به بخش خصوصی واگذار شده‌اند و ۲۵ شرکت دیگر در لایحه بودجه ۱۳۸۴ آمده است؛ که از لحاظ قانونی بلا تکلیف هستند. زیرا در بودجه سال ۱۳۸۳ شرکت‌های در حال واگذاری از بودجه کل شرکت‌ها کسر می‌شدند ولی در لایحه بودجه ۱۳۸۴ حتی این ارقام کم نشده‌اند و این دقیقاً مغایر بند «ج» تبصره «۴» ماده «۴» قانون برنامه سوم توسعه است و باید در این لایحه این خلأ و بلا تکلیفی به نحوی مشخص شود.



•









:

: درباره لایحه بودجه سال ۱۳۸۴ کل کشور (۲۱) نگاهی به بخش صنعت و

معادن

: مطالعات زیربنایی

: کمیسیون صنایع و معادن

: محمد حسن معادی رودسری، فرید دهقانی

:

:

:

۱. بودجه (Budget)

۲. صنعت و معادن (Industry and Mine)

:

۱. لایحه بودجه سال ۱۳۸۴ کل کشور.

۲. قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

۳. قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.